

دکتر دانیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۱۶

دعوت به وحدت، فیلیپیان ۴

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۱۶، دعوت به وحدت، فیلیپیان ۴ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس ما در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

ما در جدیدترین درس‌هایی که شما دنبال کرده‌اید، فیلیپیان را مرور کرده‌ایم. باید بگویم امروز، با پایان یافتن فیلیپیان، غنای این نامه پولس به کلیسای که در یک مستعمره سابق رومی مستقر است، به ما یادآوری می‌شود. من تا اینجا بخش زیادی از پیشینه را برای شما ذکر کردم، اما اگر پولس امروز زنده بود، شاید خوشحال می‌شد که بتوانم قبل از ارائه نتیجه‌گیری‌هایم، به شما در یادآوری برخی از مطالبی که در این نامه می‌گویم، کمک کنم.

چرا؟ چون این نامه طوری نوشته شده بود که از ابتدا تا انتها به صورت یکجا خوانده شود، و تا الان، من چندین ساعت را صرف کرده‌ام تا آنچه را که او می‌خواست خوانده شود، شاید بین ۱۵ تا ۲۰ دقیقه یا بیشتر، باز کنم. بنابراین، بیایید به برخی از عناصر کلیدی در ابتدای این نامه نگاهی بیندازیم. در سخنرانی‌های اولیه، به شما یادآوری کردم که پولس از زندان، شاید از زندان رومی، این نامه را می‌نوشت.

او به دلیل تلاش برای پیشبرد انجیل در زندان بود و در نتیجه کار تبلیغی خود با مشکل جدی روبرو شده بود. به عبارت دیگر، کسانی که او را زندانی کرده بودند، قصد داشتند ماموریتی را که او معتقد بود خداوند او را برای انجام آن فراخوانده است، یعنی موعظه انجیل عیسی مسیح، محدود یا متوقف کنند. پولس در فصل اول با شادی و هیجان فراوان، حتی از زندان، اشاره می‌کند که حبس مانع پیشرفت انجیل نشده است.

و گویی کلیسای فیلیپی ممکن است از تجربه او دلسرد شده باشد، او در ادامه توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که زندانی شدن او در واقع مسیر انجیل را پیش می‌برد و در واقع، به نگهبانان امپراتوری که در واقع از او محافظت می‌کردند، انجیل رسیده است و بسیاری از اطرافیانش اکنون می‌دانند که چرا او در زندان است. به عبارت دیگر، اگر آنها فکر می‌کردند که قرار است او را پشت میله‌های زندان یا درهای بسته نگه دارند تا انجیل پیش نرود، حبس مانع آن نمی‌شد. و فراتر از آن، حبس فرصتی برای پیشرفت انجیل ایجاد کرده بود.

بر این اساس، او کلیسای فیلیپی را تشویق کرد تا در تمرکز خود بر آنچه مسیح آنها را به انجام آن فراخوانده بود، ثابت قدم بمانند. او آنها را به چالش کشید تا طرز فکری را در خود پرورش دهند که شایسته کسانی باشد که عیسی مسیح را می‌شناسند. در چارچوب نگرش و طرز فکر است که او خواستار وحدت در کلیسا می‌شود و از کلیسا می‌خواهد طرز فکری را در خود پرورش دهد که در مسیح عیسی منعکس شده یا نمونه‌ای از آن است.

پولس در ادامه به قطعه‌ی زیبایی که ما آن را سرود مسیح می‌نامیم، اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه مسیح، با اطاعت و فروتنی، کار خود را به انجام می‌رساند. با این کار، پولس کلیسا را به انجام وظیفه فرا می‌خواند. او از آنها می‌خواهد که تمام تلاش خود را برای حفظ اتحاد انجام دهند و نمونه‌هایی از افرادی را ارائه می‌دهد که این اطاعت و فروتنی را حفظ کرده‌اند و آن طرز فکر و شاید پایداری را در خود پرورش داده‌اند، و باید بگویم، تا بتوانند دعوت خدا را دنبال کنند.

، او از همکار نزدیکی که او را پسرش تیموتائوس می‌نامید، نام برد. او از اپافرودیتوس نام برد. او در ادامه هشداری جدی در مورد یهودیان بالقوه‌ای که خواهند آمد و آشوب به پا خواهند کرد، صادر می‌کند.

و بعد بر اساس آن گفته، می‌دانید، این یهودی‌نماها، اگر می‌آیند، معمولاً می‌آیند تا به چیزهای نفسانی ببالند و اگر کسی می‌توانست این کار را بکند، چه کسی می‌توانست بیشتر از او این کار را بکند؟ او تمام حقوق و امتیازات لازم برای فخرروشی را داشت. او انتخاب می‌کند که این کار را نکند.

پولس کلیسا را تشویق می‌کند که با این روحیه وحدت و تمرکز پیش برود. در سخنرانی قبلی، اشاره کردم که می‌توانید فصل ۴، آیه ۱ را بخوانید، که در آن پولس از کلیسا می‌خواهد که به عنوان بخشی از فصل ۳ محکم بایستد یا با پایان فصل ۳ همراه شوید. اگر آن را به این شکل بخوانید، همانطور که ما آخرین سخنرانی خود را به پایان رساندیم، به پایان می‌رسد. اما اگر به آن به عنوان آغاز یک فصل جدید نگاه کنید، اینگونه خوانده خواهد شد.

خواهید دید که فصل اول، فصل ۴، و آیه اول در واقع می‌گویند که به دلیل آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، من از شما می‌خواهم که از این روش پیروی کنید. و من این جمله را با جمله یا نصیحت تأکیدی برای ایستادگی و پایداری به پایان می‌رسانم. و اگر فقط شما این کار را انجام دهید، شادی من کاملاً کامل خواهد شد.

در نتیجه، او اکنون می‌توانست نتیجه بگیرد که اگر فقط آنها استوار بمانند، همه چیز خوب خواهد بود. با خواندن آیه ۱ تا پایان فصل ۴، می‌توانیم ادامه دهیم و بگوییم، بله، اگر آنها همانطور که پولس به آنها نصیحت می‌کند، محکم بچسبند، آنگاه از هرگونه حس این سردرگمی وحدت خلاص می‌شوند و مسیر مسیح را همانطور که در فصل‌های قبلی مطرح کرده بود، دنبال می‌کنند. بنابراین، وقتی او می‌گوید، برادران من، که شما را دوست دارم و مشتاق شما هستم، شادی و تاج من، در خداوند استوار باشید، عزیزان من، پولس احتمالاً در حال صدور بیانیه‌ای است که گذشته را می‌سازد، به هم متصل می‌کند و ما را به آنچه در پیش است، هدایت می‌کند.

با تذکر اصلی، محکم بایستید. محکم بایستید. در مواجهه یا با تهدید بالقوه معلمان دروغین، محکم بایستید.

با گنجینه‌های مستعمره رومی فیلیپی، محکم بایستید. تا جایی که به وحدت در کلیسا و توسعه طرز فکر اطاعت و فروتنی که برای انجام این کار لازم است مربوط می‌شود، محکم بایستید. در این صورت است که اگر آن آیه را به این شکل بخوانید، خواهید دید که پولس از اینجا به بعد چه چیزی را به عنوان یک نصیحت کلی ارائه می‌دهد تا کلیسا را به چالش بکشد تا از شر برخی مسائل خاص خلاص شود و به چالش‌های شخصی خود با رویکردی مثبت بپردازد یا آنها را دنبال کند.

پولس، اگر به یاد داشته باشید، در سخنرانی قبلی به شما نشان دادم که چگونه در این نصیحت کلی، او بر رابطه، حس قدردانی و این واقعیت که کلیسا می‌تواند به عنوان شادی و تاج او نامیده شود، و همه اینها در خداوند، تأکید می‌کند. تا اینجا، ممکن است از شنیدن مکرر اینکه چقدر به صحبت‌های پولس در مورد در مسیح، مسیح عیسی، برای مسیح، مسیح واقعی اشاره می‌کنم، خسته شده باشید. یکی از عبارات مورد علاقه او نیز در خداوند است، در جایگاه یا قلمرویی که مسیح خداوند است، در قلمرو تسلط مسیح، جایی که او با تمام قدرت خود سلطنت می‌کند، و جایی که در سلطنت خود منابع مورد نیاز برای پایداری کلیسا را فراهم می‌کند.

خب، در این یادداشت است که او به طور خاص درخواست وحدت خواهد کرد، زیرا پیش از این به لزوم اتحاد کلیسا اشاره کرده بود. و من از آیات دو و سه می‌خوانم؛ در آنجا از شما التماس می‌کنم، از سینتیخی

التماس می‌کنم که در خداوند با هم توافق کنید. بله، از شما نیز، ای همراه وفادار، می‌خواهم که به این زن که دوشادوش من در انجیل تلاش کرده است، به همراه کلمنت و سایر همکارانم که نامشان در دفتر حیات است، کمک کنید.

ظاهراً دو زن در کلیسا هستند که رابطه خوبی با هم ندارند. تعجب، تعجب، تعجب. اگر به نوعی در رهبری کلیسا مشارکت داشته باشید، می‌گویید، همین موضوع فیلیپیان را بسیار واقعی می‌کند.

خب، رهبران مرد دوست دارند دعوا کنند و غیبت کنند. شما به جلسات شورای کلیسا می‌روید و احساس می‌کنید که انگار نمی‌توان یک تصمیم گرفت. رهبران زن می‌توانند در جلسه واقعاً خونسرد و آرام به نظر برسند.

آنها جلسه را رهبری می‌کنند و گاهی اوقات، انواع حرف‌های زشت را پشت سر یکدیگر می‌زنند. به این می‌گویند کلیسا و رهبری کلیسا. ظاهراً این در فیلیپی صادق بود.

و دو زن خاص که شایان ذکر هستند، یهودیه و سینتیخی، رابطه خوبی نداشتند. همینقدر بگویم که آنها با هم اختلاف داشتند. آنها از یکدیگر راضی نبودند و این بر کلیسا تأثیر می‌گذاشت.

بنابراین، پولس خواستار وحدت در کلیسا است. او از یهودیه و سینتیخی می‌خواهد که مسئولانه عمل کنند. چرا این زنان به طور خاص مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما کاملاً محتمل است که اگر آنها مسئولانه عمل نکنند، پیامدهای آن بسیار زیاد باشد و در واقع می‌تواند بر کل کلیسا تأثیر بگذارد. پولس به معنای واقعی کلمه از آنها التماس می‌کند که یک نگرش ذهنی مناسب، طرز فکری که برای کسانی که در مسیح هستند مناسب است، ایجاد کنند. من قبلاً به شما اشاره کردم که فرونسیس یا نگرش ذهنی از نظر پولس، برای رفتار و نحوه رفتار مردم چقدر مهم است.

طرز فکر آنها، نحوه رفتارشان با مردم را شکل می‌دهد. پولس در خط مقدم درخواست از آنها نه تنها برای رفتار مسئولانه، بلکه به طور خاص برای ایجاد یک طرز فکر مناسب است. چرا؟ معمولاً وقتی مردم در کلیسا دعوا می‌کنند، این چیزی است که به یک دستور کار شخصی مرتبط است.

این چیزی است که به خود یا جسم یا علاقه شخصی مرتبط است. شاید قبلاً در این مجموعه سخنرانی در مورد فیلیپیان به یاد داشته باشید، و من به شما اشاره کردم که چگونه پولس کلیسا را به چالش می‌کشد تا یک طرز فکر آسمانی را توسعه دهد تا آن شیوه زندگی خود را در اینجا و اکنون شکل دهد. پولس گفت، اگر این زنان واقعاً در دام یا گرفتار نوعی جاه‌طلبی یا برنامه شخصی افتاده‌اند که احتمالاً برای جماعت‌های محلی مشکلاتی ایجاد می‌کند، من با وضوح و قاطعیت از شما التماس می‌کنم که طرز فکر درست را توسعه دهید.

و آنها باید این کار را انجام دهند، نه فقط برای انجام این کار. آنها باید این کار را در خداوند انجام دهند. آنها باید این کار را در قلمروی انجام دهند که عیسی خداوند است، در قلمروی که هر دوی آنها خداوندی مسیح را تصدیق می‌کنند و خود را تسلیم خداوندی مسیح می‌کنند.

به عبارت دیگر، در اطاعت از مسیح، آنها باید تمام اراده، خواسته‌ها و آرزوهای خود را تسلیم کنند و نگرش ذهنی شایسته کسانی را که نام خداوند را می‌خوانند، در خود پرورش دهند. طرز فکر درست در مورد خداوند را در خود پرورش دهند. وای.

و انگار که این زنان قادر به کمک به خودشان نیستند، پولس از یکی از هم‌کیشانش می‌خواهد که به این زنان کمک کند. این خیلی جالب است. او می‌خواهد هم‌کیشانش به این دو زن کمک کنند.

من برخی از آنها را باز خواهم کرد. اما فقط برای یک دقیقه، بیایید نگاهی به این زنان بیندازیم: یهودیه و سینتیخی. ما هیچ اطلاعات بیشتری در عهد جدید یا جای دیگری از کتاب مقدس در مورد این دو زن نداریم.

بنابراین، این تنها جایی است که ما واقعاً می‌توانیم چیزی در مورد آنها بدانیم. چیزی که واضح به نظر می‌رسد این است که آنها در این بحث برجسته شده‌اند و تا حدی برجسته شده‌اند، که نشان می‌دهد اگر مسائل را حل نکنند، نفوذ بالقوه‌ای برای ساختن یا آسیب رساندن به کلیسا دارند. روش طبیعی برخورد با اختلافات و مسائل در کلیساها به ما می‌گوید که معمولاً اختلافاتی از این دست نه تنها فردی هستند، بلکه معمولاً در گروه‌هایی رخ می‌دهند که شخصیت‌های قوی پیروانی دارند و بنابراین به تقویت و تقویت یکدیگر کمک می‌کنند تا مشکلات بیشتری ایجاد کنند.

بنابراین، با توجه به همه نشانه‌ها، می‌توانیم حدس بسیار خوبی بزنیم که اینها زنان برجسته‌ای هستند که در واقع قهرمانان برخی از مسائل بحث‌برانگیز در کلیسا هستند. برخی از محققان یکی از آنها را با لیدیا یکی دانسته‌اند. در مقدمه فیلیپیان، به شما یادآوری کردم که یکی از چهره‌های کلیدی که هنگام رفتن پولس به فیلیپی برای خدمت، نزد خداوند آمد، لیدیا بود.

و همچنین توجه شما را به روایت لوقا در اعمال رسولان جلب کردم مبنی بر اینکه زنان زیادی بودند که وقتی پولس به شهر آمد، آماده گوش دادن به او بودند. و بنابراین برخی می‌گویند شاید یکی از این زنان در واقع لیدیا باشد. مکتب توپینگن، که به دلیل نتیجه‌گیری‌های لیبرال افراطی و بسیار گمانه‌زن خود در برهه‌ای از زمان، در بیشتر زمینه‌ها بی‌اعتبار شده است، همچنین اظهار داشته است که در واقع اینها بازنمایی‌های تمثیلی از مسیحیان یهودی و مسیحیان غیریهودی هستند.

بنابراین، اگر یهودیه نماد خاصی برای مسیحیان یهودی باشد، پس سینتیخی به نوعی نماد مسیحیان غیریهودی خواهد بود. رسیدن به این نتیجه، گام بسیار بسیار بزرگی است. خوب، این دو زن چه کسانی هستند؟ پاسخ.

ما نمی‌دانیم. او، شاگردان من از این متنفرند. چطور ممکن است دکترا داشته باشید و بگویید نمی‌دانید؟ او، بله، ما نمی‌دانیم.

ما هیچ مدرک دیگری فراتر از آنچه فیلیپیان در مورد این زنان به ما می‌گوید، نداریم. می‌توانیم استنباط کنیم که آنها رهبر هستند. می‌توانیم استنباط کنیم که آنها جایگاه برجسته‌ای در کلیسا داشته‌اند.

ما می‌توانیم چیزهای زیادی در مورد نقش آنها استنباط کنیم. و واضح است که آنها چهره‌های برجسته‌ای بودند. همه اینها حدس و گمان است.

و تا جایی که می‌توانیم به آن نزدیک هستیم. با این حال، نکته‌ی پولس این است که اگر قرار است آنها در کلیسا استوار بمانند و در خداوند استوار خواهند ماند، پس این زنان باید طرز فکر درستی را در خداوند در خود پرورش دهند. و اگر آنها طرز فکر درستی را در خداوند در خود پرورش دهند، به تحقق وحدتی که او آرزو دارد و می‌خواهد در کلیسا ببیند، کمک خواهند کرد.

اما شاید پرسید همدست شما کیست؟ پولس از یک همدست که قرار است به این زن کمک کند صحبت می‌کند. همدست کیست؟ خوب، به نظر می‌رسد که همدست کسی است که هم برای پولس و هم برای

کلیسای فیلیپی شناخته شده است. به نظر می‌رسد که این همدست خاص حتی نیازی به ذکر نام ندارد زیرا مردم او را می‌شناسند.

شاید گاهی اوقات از او به عنوان، بعضی‌ها از او به عنوان، او، پاول جونیور، رفیق پاول یاد می‌کنند. بنابراین شاید حتی آن لقب هم وجود داشته باشد که این شخص کسی است که مردم او را می‌شناسند، شما پاول را می‌بینید. او کیست؟ در وهله اول می‌توانیم بگوییم که آن شخص یک چهره شناخته شده بود.

و آن شخص آنقدر در جماعت احترام داشت که از او خواسته شد به این زن که مشکل داشت کمک کند می‌تواند اپافرودیتوس باشد، می‌تواند لوقا باشد، می‌تواند هر کس دیگری باشد، اما ما نام این شخص را نمی‌دانیم. اما فقط می‌توانیم حدس بزنیم که واقعاً چنین افرادی وجود دارند، که این شخص برای همه طرف‌های درگیر شناخته شده است.

برخی از محققان اظهار داشته‌اند که این فرد تحت یوغ قطعاً باید تیموتائوس باشد. پولس زیاد در مورد او صحبت می‌کند. خب، این یک احتمال است، اما این فقط یک حدس است.

برخی می‌گویند که این شخص اپافرودیتوس است و برخی می‌گویند که این شخص سیلاس است. سیلاس زمانی که پولس در فیلیپی با مشکل مواجه شد، با او در زندان بود. بنابراین، می‌تواند سیلاس باشد.

برخی می‌گویند، او، ممکن است لوقا باشد، پزشکی که او هنگام نوشتن به کولسیان از او نام برد. خب، این احتمال وجود دارد، اما وقتی به این موضوع فکر می‌کنیم، هنوز در حد حدس و گمان هستیم. یکی از پدران اولیه کلیسا، کلمنت اسکندریه، در واقع می‌گوید که فکر می‌کند باید این مرد زیر یوغ را از نظر همسر پولس در نظر بگیریم.

و این یارو که همسر پولس است، به احتمال زیاد لیدیا است. این خیلی جالب است. این باعث می‌شود سرتان را بخارانید، چون ما به این موضوع فکر کرده‌ایم و سعی کرده‌ایم بررسی کنیم و بفهمیم که آیا پولس ازدواج کرده یا نه، و از همه نشانه‌ها، پولس ازدواج نکرده بود.

کلمنت گفت، این یارو، منظورم اینه، یارو، منظورم اینه، کسی که اینقدر به هم پیوسته و در هم تنیده‌ست، تقریباً یه روح، یه بدن، اون همسر پولسه. و اون فکر می‌کنه که باید به لیدیا فکر کنیم. او، پولس خیلی باهوشه، پس.

او این را از ما پنهان می‌کند. نه، بگذارید فقط در مورد کلمنت اسکندریه به شما هشدار بدهم. در تفسیر اولیه کتاب مقدس، ما دو پدر کلیدی کلیسا داشتیم که تأثیر قابل توجهی در اسکندریه و مصر داشتند. اورینگن و کلمنت اسکندریه.

در اواخر قرن دوم و سوم، و تا اوایل قرن چهارم، اینان کسانی بودند که بر استدلال کلامی، تفسیر کتاب مقدس و مسیحیت به طرق قابل توجهی تأثیر گذاشتند. قبل از اینکه کلمنت را جدی بگیریم، ذکر یکی از روش‌های تفسیر کتاب مقدس توسط آنها مهم است. کلمنت به خاطر چیزی که تفسیر تمثیلی کتاب مقدس بود نامیده می‌شد، شناخته شده بود.

او و همکارش اورینگن در واقع به معنای واقعی کلمه با تفسیر تمثیلی از کتاب مقدس شناخته می‌شوند. اگر آنچه را که آنها در مورد برخی از تمثیل‌ها می‌گویند بخوانید، ممکن است واقعاً از خنده منفجر شوید، یا ممکن است سرتان را آنقدر بخارانید که دیگر مویی روی سرتان نماند. زیرا آنچه آنها می‌توانند بیابند و ببینند، قابل توجه است.

اما از نظر آنها، تا زمانی که از متن برای تشویق مردم در زندگی مسیحی خود استفاده می‌کنند، افکار جذابی هستند و مردم باید آنها را بپذیرند. جالب اینجاست که حتی با وجود اینکه آنها از این رویکرد استفاده می‌کنند، نتیجه‌گیری‌های آنها همچنان تفکر مسیحی را شکل می‌دهد و اغلب، ما آنها را بدون حتی بازنگری رویکرد آنها به تفسیر، نقل می‌کنیم. کلمنت یک فرد تمثیلی بود و من پیشنهاد می‌کنم که در اینجا، پیشنهاد او را در مورد اینکه لیدیا همسر پولس بوده و آن یارو که قرار است به افودیه و سینتیخی کمک کند، در واقع همسر پولس، لیدیا، است، خیلی جدی نگیریم.

این کمی زیاده‌روی است. یوحنا زین‌دهان، یکی از پدران انطاکیه، که دوست داشت کتاب مقدس را واقعاً بخواند و آن را به روشنی، به معنای واقعی کلمه، در متن تفسیر کند، به عنوان یکی از بهترین واعظان و مفسران کتاب مقدس زمان خود شناخته می‌شود. او اظهار داشت که شریک یوغ باید شوهر یا برادر یکی از این زنان باشد.

برای کریسوستوم، این یک پیشنهاد است، چیزی که باید در موردش فکر کنیم. خوب، بگذارید همین‌طور بماند. این یک پیشنهاد است.

چون کریسوستوم نمی‌داند. من همه این‌ها را به شما می‌دهم تا اگر هر تفسیری را که می‌گویید این قطعاً همسر پولس است، برداشت کردید، بدانید که از کجا آمده است. این شوهر یکی از آن زنان است.

می‌دانید از کجا می‌آید. حتی می‌توانم به شما بگویم که اگر واقعاً پیشنهاد کریسوستوم را در نظر بگیریم، در اینجا یک سوگیری بالقوه در حل اختلاف وجود دارد، اینطور نیست؟ اگر فرد یکی از آنها باشد، شوهر یا برادر یکی از آنها باشد، آیا شخص دیگر به این اعتماد خواهد کرد که در نحوه برخورد با مسائل، منصفانه رفتار خواهد کرد؟ این چیزی است که باید در مورد آن فکر کرد. کلمه یونانی که من در اینجا به شما که به عنوان همکار یوغ ترجمه می‌شود، فهمیده شده است و در تحقیقات مدرن، به ، SUZUGOS، می‌دهم، طور گسترده به عنوان یک اسم خاص در نظر گرفته می‌شود.

پس یعنی باید اسم کسی باشد. و اگر اسم کسی باشد، پس این همان یارو است. این یک یارو نیست، اما اسم کسی است.

تنها مشکلی که همچنان این مسئله را به تعویق می‌اندازد این است که ما هیچ مدرکی از متن، پوست یا قطعه‌ای که این نام را در جایی نشان دهد، نداریم. بنابراین، «هم‌یار یوغ» در اینجا به مسئله تبدیل می‌شود اما نکته پولس در اینجا این نیست که ما ساعت‌ها و دقیق و صفحات را صرف تلاش برای فهمیدن اینکه هم‌یار یوغ «کیست، کنیم».

پولس می‌گوید این زنان باید مسئولیت شخصی خود را بپذیرند تا طرز فکر درست را در خود پرورش دهند و به کمک نیاز دارند. و او از یک فرد قابل اعتماد می‌خواهد که به آنها کمک کند. این نکته کلیدی است که در اینجا مطرح می‌شود.

با این چارچوب، درست پس از آنکه پولس گفته بود محکم بایستید، او این دستورالعمل را صادر خواهد کرد. شاد باشید. همیشه در خداوند شاد باشید.

باز هم می‌گویم شاد باشید. بگذارید همه از معقول بودن شما آگاه شوند. خداوند در دسترس است.

نگران هیچ چیز نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و تضرع همراه با شکرگزاری، درخواست خود را به خدا ابراز کنید. و آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دل‌ها و ذهن‌های شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد. وای.

بنابراین، بعد از اینکه این زن را به چالش کشیدم تا آرامش را برقرار کند و همه این‌ها، فقط برای احتیاط است که اگر مقداری اضطراب یا مشکل وجود دارد، بتوانید به چند نکته کلیدی توجه کنید. او تماس می‌گیرد. و در واقع می‌گوید شاد باشید. فقط تصور کنید.

اوه، آیا آن زنان مشکلات را حل کرده‌اند؟ ضمناً، سلام بچه‌ها، آرام باشید. در خداوند شاد باشید.

می‌دانید، حتی در بحبوحه چیزی که شبیه سردرگمی و از این قبیل است، وحشت نکنید و طوری رفتار نکنید که انگار دنیا در حال فروپاشی است. شاد باشید، اما نه فقط شاد باشید. در خداوند شاد باشید. شاد باشید زیرا جایگاه خود را تحت سلطه خداوند عیسی مسیح پیدا می‌کنید.

و اگر متوجه نشدید، دوباره می‌گویم شاد باشید. وای. بگذارید در حین فکر کردن به این متن، چند نکته را به شما یادآوری کنم.

فکر می‌کنم، بیایید بیش از حد هیجان‌زده شویم و بیش از آنچه که باید، وقت صرف این موضوع کنیم. پولس، با از سرگیری این نصیحت عمومی، خواستار شادی بی‌وقفه در میان قوم خدا در خداوند است. باز هم، در خداوند.

همچنان که این مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان را با ما می‌گذرانید، لطفاً برای مطالعه‌ی تمام این کتاب‌ها وقت بگذارید. آن کلمات را در مسیح، در خداوند، در مسیح عیسی جستجو کنید و بفهمید که این چقدر برای پولس مهم است. در خداوند، شاد باشید و بگذارید ملایمت شما باشد. اوه، بله، آن زنان ممکن است آنقدر ملایم نباشند.

اونا دوست دارن دعوا کنن. راستی، اینجا ملایمت هیچ ربطی به این نداره که بری خیابون پنجم نیویورک و گرون‌ترین لباس رو بخری و بپوشی، پر زرق و برق‌ترین ساعت و گردن‌بند رو برداری و فقط بخوای خودنمایی کنی. خب، اینجا هیچ ربطی به لباس نداره.

ملایمت، به این معنا، کاملاً به نگرش و رفتار مربوط می‌شود. بگذارید ملایمت شما، بگذارید دیدگاه اجتماعی شما منعکس کننده کسانی باشد که زندگی خود را تحت خداوندی مسیح می‌گذرانند. و ضمناً، این خصوصی نیست.

بگذارید ملایمت شما بر همه آشکار شود. بگذارید مردم نحوه زندگی شما را ببینند و شروع به درک آن روح لطیف در شما کنند، که در رفتار و برخورد ملایم با دیگران منعکس می‌شود. پولس یک انگیزه یا محرک ارائه می‌دهد.

شما باید بگذارید ملایمت شما بر همه آشکار شود زیرا خداوند نزدیک است. این می‌تواند یک مفهوم آخرالزمانی داشته باشد که می‌گوید آمدن خداوند نزدیک است، یا شما در فضایی هستید که حضور خداوند واقعی است. بگذارید این روش زندگی شما باشد زیرا خداوند نزدیک است.

چه این موضوع مربوط به آخرالزمان باشد و چه این مفهوم خاص و بی‌واسطه از حضور خداوند در اینجا را داشته باشد، خداوند نظاره‌گر رفتار شماست. نکته پولس این است که ای قوم خدا، بگذارید ملایمت شما

آشکار شود. شاید شما شروع به تفکر جدی در مورد این موضوع کرده‌اید که پولس چقدر از ارائه مسیحیت به عنوان یک امر خصوصی خودداری می‌کند.

نه، برای پولس، نحوه زندگی ما در این دنیای پر پیچ و خم باید منعکس کننده و بیانگر این باشد که کسانی که خداوند را شناخته‌اند، از جایگاه اخلاقی بالاتری برخوردارند. نگرش، رفتار و برخورد آنها با یکدیگر باید مطلوب باشد. به همین دلیل است که او در اوایل این نامه اشاره کرد که آنها باید مانند نوری در جهان بدرخشند.

و سپس پولس در مورد اضطراب صحبت خواهد کرد. او، اضطراب امروزه یک مسئله بزرگ است. اما پولس می‌گوید، اکنون که ملایمت خود را به همه مردم نشان می‌دهید، با حضور خداوند یا به وسیله آن بر اضطراب خود غلبه کنید.

انضباط معنوی. بگذارید سعی کنم آن را در عرض یک دقیقه از آیات ۴ تا ۷ بخوانم. همیشه در خداوند شاد باشید. باشید. باز هم می‌گویم شاد باشید.

بگذارید معقولیت شما بر همه آشکار شود. خداوند در دسترس است - آیه ۶. برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز، با دعا و تضرع همراه با شکرگزاری، درخواست خود را به خدا ابراز کنید.

و آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دل‌ها و ذهن‌هایتان را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد. وای اضطراب.

نگران هیچ چیز نباشید. نگران باشید که جایگاه خود را نزد خدا در مورد هیچ چیز نمی‌یابید. این بدان معنا نیست که به عنوان یک مسیحی، هرگز زمانی نخواهد بود که احساس کنید همه چیز تحت کنترل شما نیست.

بله، شما این را احساس خواهید کرد. احتمال اضطراب وجود خواهد داشت. اما پولس می‌گوید، نگران هیچ چیز نباشید.

به خودت اجازه نده که در دام اضطراب گرفتار شوی. مری، این کلمه اضطراب، به معنای نگرانی هم هست. به یک جنگجوی همیشگی تبدیل نشو و خودت را در دام نگرانی در مورد همه چیز نینداز، و اینطور به نظر برسد که همه چیز در حال له شدن است؛ در حال نابودی است.

انگار همه چیز اطرافت داره تگون می‌خوره و تو رو توی این ترس و نگرانی از اینکه آگه یه روزی اتفاقی بیفته چی میشه، گیر میندازه. نگران هیچی نباش. به اون کلمه توجه کن، نگران هیچی نباش، صفر.

اما در همه چیز، در همه چیز، این کاری است که باید انجام دهید. درخواست خود را به خدا بگویید. آرامشی پیدا کنید، جایی با خدا و با خدا صحبت کنید.

در همه چیز، خود را در حضور خدا قرار دهید. و وقتی احساس می‌کنید که اوضاع از کنترل شما خارج است، به درگاه خدا دعا کنید. به او بگویید که احساس می‌کنید کنترل اوضاع از دستتان خارج شده است.

دعاهایتان را به خدا تقدیم کنید. درخواست و التماس خود را به خدا بسپارید. و پولس گفت، نه با شکرگزاری، بلکه با شکرگزاری، با قلبی سپاسگزار، نه با قلبی ناسپاس یا حق به جانب.

گاهی اوقات مجبور می‌شوم خودم را در حال دعا به حضور خدا ببینم و چنان با عجله نیازهایم را به خدا بگویم که انگار حق دارم کارهایی را که خدا باید با من انجام دهد، انجام دهم. پولس می‌گوید، مکث کنید، مکث کنید، مکث کنید. بگذارید درخواست، دعاها و تضرعات شما با شکرگزاری و حس قدردانی در قلبتان به خدا ابراز شود.

با درک این نکته که اگر خدا طرف شما نبود، شاید اوضاع می‌توانست بدتر باشد. و بگذارید این نگرش نحوه‌ی درخواست شما را تعیین کند. من اغلب شنیده‌ام که مردم می‌گویند از دست خدا عصبانی هستم. را انجام دهد، اما او این کار را نکرد XYZ چون می‌خواستم او

، اما به عنوان یک انسان، اغلب ممکن است چنین احساسی داشته باشیم. اما در دستورالعمل پولس در اینجا چیزی که به نظر می‌رسید او به ما منتقل می‌کند این است که باید در مورد این نگرش مراقب باشیم. اگر با نگرش شکرگزاری به حضور خدا بیاییم و درخواست خود را از او مطرح کنیم، آیا واقعاً می‌توانیم خود را در جایی بیابیم که بتوانیم درجه‌ای از جسارت یا کم‌لطفی را برای گفتن به خدا جمع کنیم؟ می‌دانید چیست؟ شما می‌توانید به بزرگی چه چیزی باشید؟ من از شما عصبانی هستم و می‌توانم با شما دعوا کنم.

و حدس بزنید چه کسی ضرر می‌کند؟ اما با قلبی سرشار از قدردانی، می‌توانیم با فروتنی به اینجا بیاییم. تصور کنید که به کسی نزدیک می‌شوید و از او کمک می‌خواهید، در حالی که در افکارتان، در قلبتان، واقعاً غرق در حس عمیق قدردانی از کاری هستید که آن شخص برای شما انجام داده یا کرده است. درخواست بعدی شما از آن شخص چگونه مطرح می‌شود؟ پولس می‌گوید، نگران هیچ چیز نباشید، بلکه در همه چیز یا در همه چیز، با دعا و تضرع و با آن حس قدردانی به خدا نزدیک شوید.

و اگر چنین کنید، نتیجه این خواهد بود. نتیجه این خواهد بود که آرامش خدا، ایرن، شالوم و رفاه کاملی که تنها خدا می‌تواند فراهم کند، از آن شما خواهد بود. و این آرامش خدا آنقدر عظیم است که فراتر از درک بشر است.

این آرامشی است که می‌تواند در بحبوحه آنچه غیرممکن به نظر می‌رسد، وجود داشته باشد. این آرامشی است که خداوند می‌تواند در شرایطی که فرد باید در واقع، به معنای طبیعی، احساس درماندگی و ناامیدی کند، به او عطا کند. این حس آرامش است که می‌تواند فردی را که در بستر مرگ است، به قوی‌ترین فرد برای تشویق کسانی که در بستر مرگ به ملاقات او می‌آیند، تبدیل کند.

آرامش خدایی که از آن فراتر می‌رود، ذهن انسان را شگفت‌زده می‌کند. بگذارید سعی کنم آن را به ترجمه آمریکایی بیان کنم. آرامش خدایی که ذهن را شگفت‌زده می‌کند.

بگذارید نتیجه، آرامش الهی باشد. و در واقع، این یک وعده است. این نتیجه خواهد بود.

اگر در دعا و نیایش خود با شکرگزاری به سوی خدا آمدید، آرامش الهی که فراتر از هر فهمی است. به کلمه بعدی نگاه کنید. خب، خدا.

عبارت اونجا به جورایی به جورایی شبیه زندان نظامیه. پست خدا رو شکر. فقط تصور کن که آرامش خدا داره این دیوار رو دور قلب و ذهن می‌کشد و میگه، نگرانی، اضطراب، مشکلات.

تو نمی‌توانی نفوذ کنی. تو نمی‌توانی قلب و ذهن این فرد را از بین ببری. فقط تصور کن که آرامش الهی قلبت را فرا گرفته، خودت تو را در بر گرفته.

حتی در بحبوحه سخت‌ترین زمان. همانطور که قبلاً در این سخنرانی گفتم، این مرا به یاد مزمور ۲۳، آیه ۴ می‌اندازد: حتی اگر از دره سایه مرگ عبور کنم، از هیچ بدی نخواهم ترسید.

چون تو با منی، برای من، این همان کاری است که آرامش خدا می‌تواند انجام دهد، زیرا آن آرامش از قلب‌ها و ذهن‌های شما محافظت خواهد کرد یا آنها را حفظ خواهد نمود.

در مسیح عیسی. قلب شما. در یونان باستان، فهم جایگاه احساسات شماست.

مرکز زندگی. ذهن شما جایگاه استدلال است. مرکز انتخاب‌های اخلاقی شماست.

او از آن محافظت خواهد کرد؛ او آن را از آلوده شدن یا آلوده شدن محافظت خواهد کرد. با تمام فشارهایی که علل بالقوه اضطراب هستند. وای.

چند بار به این فکر کرده‌ایم؟ به خاطر این تصویر نظامی، وقتی به قلب و ذهنم فکر می‌کنم، احساس می‌کنم که محافظت می‌شوم. تا سختی‌ها، وحشت‌ها، ترس‌ها و ناامنی‌ها نتوانند مرا از پا درآورند.

حتی وقتی کوچکترین احساس اضطرابی شروع به رخنه کردن در من می‌کند، می‌توانم انگیزه‌ای برای آمدن به سوی خدا پیدا کنم. پولس می‌گوید، در کلیسای در فیلیپی، همانطور که این وحدت را حفظ می‌کنید و خواسته‌های خود را با ملایمت به همه اعلام می‌کنید، نگران هیچ چیز نباشید.

اما در همه چیز، با سپاسگزاری به سوی خدا بیایید، و این نتیجه خواهد بود. آرامش خدا از قلب و ذهن شما محافظت خواهد کرد. نویسنده‌ای این را اینگونه بیان کرده است.

راه نگران نبودن برای هیچ چیز، دعا کردن برای همه چیز است. وای. قبل از اینکه این مجموعه سخنرانی را با ما شروع کنید، می‌توانم بپرسم؟

آیا در این دوران به پولس و زندگی دعاگونه‌اش فکر کرده‌اید؟ شاید بهتر باشد اینجا موضوع را شخصی کنیم. آیا واقعاً به مسیحیت به این شکل شخصی فکر کرده‌اید؟ جایی که دعا، سپاسگزاری، شخصیت، زندگی در صلح و اتحاد با برادران و خواهران آنقدر بخشی از زندگی شما هستند که وقتی احساس می‌کنید درگیر حس غیرمنتظره‌ای از ترس و نگرانی هستید، می‌توانید به خدا مراجعه کنید و آن آرامش را بیابید. بله، شاید حق با ایرنه باشد.

راه نگران نبودن برای هیچ چیز، دعا کردن برای همه چیز است. و پولس در ادامه خواهد نوشت: در نهایت برادران، هر آنچه حقیقت است، هر آنچه شریف است، هر آنچه عادلانه است، هر آنچه پاک است، هر آنچه دوست داشتنی است، هر آنچه ستودنی است، اگر فضیلتی وجود دارد، اگر چیزی شایسته ستایش است، درباره ما فکر کنید.

بگذار این چیزها ذهنت را مشغول کنند. به این فضایل شریف و ستودنی فکر کن. بگذار ذهنت را مشغول کنند.

بگذارید آنچه را که در من آموخته‌اید، دریافت کرده‌اید، شنیده‌اید و دیده‌اید، مصرف کنند. این کارها را به کار بندید، و خدای آرامش با شما خواهد بود. من وسوسه می‌شوم.

وسوسه می‌شوم که وقت زیادی را صرف صحبت در مورد این چیزها کنم. اما بگذارید سعی کنم در عرض سه دقیقه یا دو دقیقه کاری انجام دهم. وقتی به چیزهایی که او می‌گوید نگاه می‌کنید، باید به مواردی فکر کنید که واقعاً قابل توجه، ستودنی، شایسته ستایش و در فرهنگ آبرو و شرمساری، عالی هستند.

اینها فضایل، ویژگی‌های قابل احترام و چیزهایی هستند که جامعه به آنها نگاه می‌کند و می‌گوید، بله، اینها چیزهایی هستند که قابل ستایش هستند. پولس می‌گوید، بدون اینکه از چیزهای خاصی اینجا و آنجا نام ببرد، بگذارید این چیزها و دنبال کردن این چیزها افکار شما را مشغول کند: فعالیت ذهنی، فعالیت شناختی.

مسیحیت فقط این نیست. من به کلیسا رفتم و دست زدیم و رقصیدیم. از کلیسا بیرون آمدم و احساس خوبی داشتم. واکسنم را زدم. دارم می‌آیم خانه و تا هفته آینده، واکسن تمام می‌شود.

خب، من برمی‌گردم. به مداحی و رقص می‌پردازم. به یک موعظه خوب گوش خواهم داد.

من سیر می‌شوم و بعد برمی‌گردم. یک هفته دیگر تمام می‌شود و برمی‌گردم و یک واکسن دیگر می‌زنم. نه.

پولس می‌گوید که طرز فکر مسیحیان در فیلیپی مهم است. و فکر آنها باید صرف چیزهایی شود که شریف هستند. اینها چیزهایی هستند که خدا را جلال می‌دهند.

سپس، ببینید که او پس از به چالش کشیدن آنها برای تفکر در مورد نکات درست از آیه ۹، در ادامه درباره چه چیزهای دیگری صحبت می‌کند. یادگیری، تفکر، دریافت. آنچه آموخته‌اید. آنچه دریافت کرده‌اید.

آنچه شنیده‌اید و آنچه در پولس دیده‌اید، به آنها عمل کنید.

اوه، بحث تئوری نیست. بحث این نیست که چند آیه از کتاب مقدس را می‌توانم ذکر کنم. آنها را تمرین کنید.

وای. من این را دوست دارم. اما سریع به این توجه کن.

کمتر بگیر؛ من زمان زیادی را صرف تلاش برای اجتناب از آن می‌کنم. پولس همانطور که خواستار تعالی اخلاقی است، به خویشاوندی خیالی مشترک نیز متوسل می‌شود. او واضح صحبت می‌کند.

افکار نمی‌توانند خالی باشند. افکار نمی‌توانند با انواع پلیدی‌ها پر شوند. در واقع، او می‌گوید، وقتی در دعا به حضور خدا می‌آیی، ذهن و قلبت محافظت خواهند شد.

و بگذارید آن ذهن به این چیزها فکر کند. شما در مورد آن چه فکر می‌کنید؟ و چه چیزی فکر شما را به عنوان یک امر محترم مصرف می‌کند؟

آنچه شنیده‌اید، آنچه دریافت کرده‌اید، آنچه آموخته‌اید و آنچه در پولس دیده‌اید و به کار بسته‌اید را به آن اضافه کنید - وعده‌ای دیگر. آیه ۹ وعده دیگری می‌دهد.

همینطور که این کار را انجام می‌دهید، حدس بزنید چه اتفاقی افتاد؟ و خدای آرامش با شما خواهد بود. وای. خدای آرامش با شما خواهد بود.

مثل پایان دعاست. صلح، صلح، صلح، صلح. و خدای صلح با شما خواهد بود.

با گفتن همه اینها، پولس آماده است تا نامه را به پایان برساند. او شکرگزاری و دروهای پایانی را ارائه خواهد داد. این شکرگزاری از آیات ۱۰ تا ۲۰ چیزی است که برخی از محققان آن را شکرگزاری با تأخیر می‌دانند.

طبق دیدگاه آنها، اگر از الگوی پولس در نوشتن نامه پیروی کنید، شکرگزاری مانند این زودتر اتفاق می‌افتد. از آنجا که پولس آن را به پایان می‌رساند، برخی از محققان می‌گویند که این متن خاص به اینجا تعلق ندارد. احتمالاً نامه متفاوتی است که بعداً آورده شده است.

در ابتدای بحث در مورد فیلیپیان برای شما توضیح دادم که ما شواهد یا مدارک زیادی نداریم که واقعاً بگوییم چنین نامه‌ای در گردش بوده است. بنابراین ما این را به عنوان یکی از آنها در نظر می‌گیریم. بیایید فقط به طور خلاصه به آن شکرگزاری نگاهی بیندازیم.

این شکرگزاری به عنوان یک تشکر بی‌دریغ نامگذاری شده است. یک قدردانی پوشیده، یک قدردانی پوشیده. ممکن است پرسید چرا. چون این یک تشکر است، اما واقعاً شبیه یک تشکر نیست.

چون متن این‌طور خوانده می‌شود، من در خداوند بسیار شادمانم که اکنون، بالاخره، رضایت خود را برای من احیا کرده‌اید. شما واقعاً نگران من بودید، اما فرصتی نداشتید.

اما من دارم از نیازمندی صحبت می‌کنم، زیرا یاد گرفته‌ام که در هر شرایطی قناعت کنم. می‌دانم چگونه باید خوار بود و چگونه می‌توان در فراوانی بود. در هر شرایطی، راز رویارویی با فراوانی و گرسنگی، فراوانی و نیاز را آموخته‌ام.

من به واسطه‌ی او که مرا تقویت می‌کند، می‌توانم هر کاری انجام دهم. آیا اینگونه از کسی تشکر می‌کنید؟ بیایید ادامه دهیم. با این حال، شما لطف کردید که در مشکل من شریک شدید.

و شما ای فیلیپیان، خود می‌دانید که در آغاز انجیل، هنگامی که من مقدونیه را ترک کردم، هیچ کلیسایی جز شما در دادن و گرفتن با من در کورینتیا مشارکت نکرد. حتی در تسالونیک، شما بارها و بارها برای رفع نیازهایم به من کمک فرستادید. نه اینکه من به دنبال هدیه باشم، بلکه به دنبال ثمره‌ای هستم که اعتبار شما را افزایش دهد.

من تمام حقوقم را دریافت کرده‌ام و حتی بیشتر از آن. به خوبی تأمین شده‌ام. وای! آیا اینگونه از من تشکر می‌کنی؟ هدیه‌ای را که از اپافرودیتوس فرستاده بودی، دریافت کردم، هدیه‌ای معطر، قربانی‌ای مقبول و مورد پسند خدا.

و خدای من هر نیاز شما را بر اساس ثروت خود در جلال در مسیح عیسی برآورده خواهد کرد. جلال تا ابد. از آن خدا و پدر ما باد. بنابراین، می‌بینید که انواع و اقسام چیزهای ساندویچی اینجا اتفاق می‌افتد.

به همین دلیل است که محققان مطمئن نیستند که در اینجا چه اتفاقی برای پولس می‌افتد. بنابراین، به این نکته توجه کنید. مفسران دیدگاه‌های متفاوتی در مورد این آزمون خاص و اینکه چگونه گاهی اوقات به نظر می‌رسد پولس از شما تشکر می‌کند، دارند.

گاهی اوقات به نظر می‌رسد که او می‌گوید من به هر حال به کمک شما نیازی نداشتم. بنابراین، برخی از مفسران گفتند که پولس در واقع نشان می‌دهد که از مراقبت و توجه کلیسا سپاسگزار است.

برخی می‌گویند او احتمالاً انتظار هدایا را نداشت. اما کلیسا درخواست او را مبنی بر اینکه می‌خواهد در خدمت خود مستقل باشد، نادیده گرفت و برای او هدایایی فرستاد. بنابراین او آن را دریافت کرد اما از آن خیلی خوشحال نبود.

بعضی‌ها می‌گویند در فرهنگ باستانی اگر دوست واقعی باشید، لازم نیست وقتی کسی کار خوبی می‌کند، زیاد از او تشکر کنید. بنابراین، پولس سعی می‌کند طوری رفتار کند که انگار در واقع ساکت است. مطمئن نیستیم چطور بگوییم، اما این دیدگاه کاملاً متزلزل است. بعضی‌ها می‌گویند پولس قصد دارد تمرکز آنها را به پیشرفت انجیل معطوف کند.

برخی می‌گویند که پولس تلاش می‌کند تا بین قدردانی و آگاهی تعادل برقرار کند و مأموریت او نه وابسته به موهبت آنهاست و نه انگیزه آن را دارد. این همان موضعی است که من به آن گرایش دارم. یکی از همکارانم، فرانک، این را اینگونه بیان می‌کند.

این جلسه اساساً ابراز تشکر از فیلیپیان برای هدیه‌ای نقدی است که از طریق پیام‌رسان خود، اپافرودیتوس برای او فرستاده‌اند. یادداشت قدردانی در سه جا آمده است. در آیه ۱۰ که پولس از شادی عظیم خود به دلیل ابراز رضایت فیلیپیان از او سخن می‌گوید.

در آیه ۱۴، او به آنها می‌گوید که از آنها خواسته شده که در سختی‌هایش به او کمک کنند. در آیه ۱۸، جایی که او از استعاره‌های مالی و مذهبی برای توصیف ارزش عظیم هدیه آنها برای او استفاده می‌کند، در واقع پولس این را می‌گوید.

او از توجه و مراقبت آنها در خداوند شادمان است. او از هدیه و مشارکت آنها سپاسگزار است. هدیه آنها نیازهای او را برآورده کرده است.

و او آموخته است که چگونه در فراوانی و کمبود زندگی کند. اما همچنین می‌خواهد این را روشن کند که در واقع، او می‌تواند همه کارها را از طریق مسیح انجام دهد. کسی که او را تقویت می‌کند.

پولس آموخته است که صرف نظر از شرایطش، قناعت کند. همانطور که به یاد دارید، اول تیموتائوس خداترسی و قناعت سود بزرگی است. قناعت پولس می‌گوید که او در واقع برای زنده ماندن به عطایای ۶:۶ آنها نیازی نداشت.

او حتی به دنبال آن هدیه هم نبود. با این حال دعا می‌کند که خدا آنها را به وفور دوباره پر کند. و من این دعا را دوست دارم.

و خدای من هر نیاز شما را بر حسب ثروت خود، در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد کرد. جلال تا ابد از آن خدا و پدر ماست. آمین.

و شکرگزاری او به همین سادگی و با این عبارات بسیار مودبانه است. به همه مقدسین در مسیح عیسی سلام برسانید. برادرانی که با من هستند به شما سلام می‌رسانند.

همه مقدسین، به خصوص آنان که در دربار قیصر هستند، به شما سلام می‌رسانند. فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد.

در پایان این سخنرانی، اجازه دهید با این تصویر که می‌خواهم مطمئن شوم در ذهنتان باقی می‌ماند، ذهنتان را تازه کنم. در این نامه، برخی از مضامین کلیدی مطرح شده‌اند. مضمون دوستی و مشارکت

شادی و سرور در مواجهه با رنج، فروتنی و اطاعت در راه رفتن با مسیح، وحدت در جامعه

، خویشاوندی، برادران و خواهران در خانواده‌ی خانه‌ی خدا بودن. و الگوهای مسیحی، تیموتائوس، اپافرودیتوس، پولس، و بالاتر از همه، مسیح

در پایان، نامه پولس به فیلیپیان نشان داده است که زندان و موانع نتوانسته‌اند جلوی پیشرفت انجیل را بگیرند. انجیل در جریان است

کلیسا باید تشویق شود و در وحدت زندگی کند. همانطور که آنها تمایل به زندگی در وحدت دارند، باید طرز فکری را که شایسته کسانی است که نام مسیح را می‌خوانند، در خود پرورش دهند. و همانطور که این طرز فکر را در خود پرورش می‌دهند، توجه به این واقعیت که الگوهای وجود دارد که می‌توانند از آنها پیروی کنند، بسیار مهم است

مسیح اولین الگویی است که به وضوح ارائه شده است. تیموتائوس، اپافرودیتوس، خود پولس. همانطور که آنها این کار را انجام می‌دهند، باید واقعاً مطمئن شوند که آن حس قوی وحدت را در خود ایجاد می‌کنند

و برای آن دو مرد خاص، یهودیه و سینتیخی، که در کلیسا با هم رابطه خوبی ندارند. آنها باید مسئولیت شخصی همکاری با یکدیگر را بر عهده بگیرند. و یک همدست باید به آنها کمک کند

برای بقیه اعضای کلیسا، ملایمت آنها باید برای همه شناخته شده باشد. و برای احتیاط، هنوز هم مقداری اضطراب وجود دارد. بگذارید کلیسا با دعا به درگاه خدا بیاید

با احساسی از سپاسگزاری در قلب‌هایشان. و آرامش خدا در زندگی‌شان واقعی خواهد بود. می‌خواهم با این جمله تمام کنم، باشد که آرامش خدا، که فراتر از هر فهمی است، از آن شما نیز باشد

، از شما به خاطر مطالعه فیلیپیان و تمام این مجموعه مطالعاتی که برای رساله‌های زندان انجام داده‌ایم، متشکرم. از اینکه با ما مطالعه می‌کنید متشکرم. امیدوارم شما هم مثل من در حال رشد و یادگیری باشید

متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۱۶، دعوت به وحدت، فیلیپیان ۴ است